

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و بلوغ زودرس بر جامعه‌پذیری دختران (مطالعه موردی: دختران دوره راهنمایی شهر شیراز)

شهناز صداقت‌زادگان^۱

پوران امیدوار^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۶/۱۶

چکیده

جوامع انسانی، از جامعه‌پذیرکردن اعضای خود اهداف خاصی را دنبال می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها، آموزش خویشتن‌داری و نهادینه‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است، اما یکی از عواملی که سبب اختلال در جامعه‌پذیری می‌شود، بلوغ زودرس است که عوامل زیادی در وقوع آن دخالت دارند. در این پژوهش، به بررسی تأثیر کنترل اجتماعی، استفاده از رسانه‌های جدید و پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر بلوغ زودرس دختران و تأثیر بلوغ زودرس بر جامعه‌پذیری می‌پردازیم. روش تحقیق، پیمایشی و جامعه آماری، شامل دختران دوره راهنمایی شهر شیراز است که از میان آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران، ۲۵۰ نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. براساس نتایج، بلوغ زودرس جسمی با جامعه‌پذیری رابطه معنادار دارد. همچنین رابطه متغیرهای استفاده از رسانه‌های جدید، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و کنترل اجتماعی خانواده با جامعه‌پذیری معنادار است. از سوی دیگر، متغیرهای استفاده از رسانه‌های جدید، کنترل اجتماعی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با بلوغ زودرس، رابطه معنادار دارند. همچنین با کنترل متغیر بلوغ زودرس، سطح معناداری رابطه متغیرهای استفاده از رسانه‌ها، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و کنترل اجتماعی خانواده با جامعه‌پذیری تغییر می‌کند. یعنی متغیر بلوغ زودرس، به‌عنوان متغیر واسط بر رابطه‌ها تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: بلوغ زودرس جسمی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، جامعه‌پذیری، رسانه‌های جدید، کنترل اجتماعی، کنترل خانواده.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)، ssedaghatzadeghan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور،omidvar_p@yahoo.com

مقدمه

جوامع انسانی، از جامعه‌پذیرکردن اعضای خود اهداف خاصی را دنبال می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها آموزش خویشتن‌داری و نهادینه‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. در این فرایند، فرد مهارت‌های لازم را برای مراقبت از خود و فرهنگ جامعه می‌آموزد. همچنین فرایند جامعه‌پذیری، این امکان را فراهم می‌سازد تا دانش و شیوه‌های زندگی مردم وابسته به یک فرهنگ، از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد (کوئن، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

بلوغ زودرس، به حالتی اطلاق می‌شود که بلوغ در سنی زودتر از معمول اتفاق بیفتد. تعریف رایجی که برای بلوغ زودرس وجود دارد، شروع علائم ثانویه جنسی پیش از هشت‌سالگی در دختران و پیش از نه‌سالگی در پسران است، اما واقعیت این است که این تعریف در جوامع مختلف به‌صورت‌های گوناگونی مطرح می‌شود. همچنین به‌نظر می‌رسد به‌تازگی سن بلوغ روبه‌کاهش است و روزبه‌روز بر تعداد دخترانی که در سنین پایین‌تر بالغ می‌شوند، افزوده می‌شود. تخمین زده می‌شود که بلوغ زودرس، ۱ در ۵۰۰۰ تا ۱ در ۱۰۰۰۰ از کودکان را گرفتار می‌کند و در دختران حداقل ۱۰ برابر شایع است. مگنسون (۲۰۱۱) افزایش شایان توجه در تعداد بیماران با بلوغ زودرس را طی ۱۶ سال اخیر گزارش کرده است.

دوران نوجوانی با تغییرات گسترده و متعدد و افزایش آسیب‌پذیری همراه است. شروع بلوغ، معمولاً با بلوغ روانی زود هنگام یا دیر هنگام و ریسک‌پذیری بالا همراه است و در نوجوانان دختر و پسر به‌شکل متفاوتی ظهور می‌کند (گیلبرت، ۲۰۱۵: ۱۳). بلوغ زودرس ممکن است سبب بروز مشکلاتی شود؛ به‌طوری‌که استخوان‌ها بیشتر شبیه بزرگسالان می‌شود و در نهایت، رشد متوقف می‌شود؛ درحالی‌که در کودکانی که به‌موقع به سن بلوغ می‌رسند، رشد استخوان‌ها به شکل طبیعی ادامه می‌یابد (مارون، ۲۰۱۵).

براساس بررسی‌ها و با استناد به گزارش اداره سلامت جوانان کشور، سن بلوغ دختران ایرانی از ۱۳/۸ به ۱۲/۶۵ رسیده است. در سال‌های اخیر، شاهد بلوغ زودرس دختران در سن پایین هستیم که این مسئله، مسئولیت والدین و جامعه را در قبال دوران بلوغ دختران دوچندان می‌کند. از آنجاکه دختران در آینده، نقش بسیار مهم مادرشدن را عهده‌دار می‌شوند، بلوغ آن‌ها از حساسیت و اهمیت بیشتری نسبت به پسران برخوردار است. همچنین فوران احساسات در دختران در مقایسه با پسران، اهمیت توجه به بلوغ دختران را می‌رساند. والدین در دوران بلوغ، شاهد رفتارها و اعمالی از سوی دختران هستند که زمینه نگرانی آن‌ها را فراهم می‌کند. در این

دوران، بین والدین و نوجوان، اختلاف‌های زیادی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که سبب تنش بین آن‌ها می‌شود. دخترانی که در سن پایین سعی دارند رفتارها و اعمالشان را شبیه به بزرگ‌ترها کنند و گمان می‌کنند با بلوغ جسمی به بلوغ اجتماعی رسیده‌اند. آن‌ها خواهان استقلال در همه امور زندگی‌شان هستند و ددرسرهای بسیاری را برای خانواده و جامعه به‌وجود می‌آورند و به انواع انحراف‌ها کشیده می‌شوند. درمقابل، دخترانی که از بلوغ زودرس واهمه دارند و این دوران را با هراس و استرس زیادی سپری می‌کنند، آسیب‌های شدیدی می‌بینند و سعی می‌کنند تغییرهای جسمانی خود را از دیگران مخفی کنند و کمتر در اجتماع حضور پیدا کنند. بدین ترتیب، منزوی و گوشه‌گیر می‌شوند.

نبود آموزش صحیح و آشنایی دختران با مشکل‌ها و مسائلی که با بلوغ زودرس پیش روی آن‌ها قرار دارد، عوارض و مشکل‌های روانی، اجتماعی، جسمانی و... بسیاری را برای دختران و والدین آن‌ها به‌وجود می‌آورد که نتیجه آن، اختلال در جامعه‌پذیری و در نتیجه، انحراف‌های اجتماعی دختران در این دوران است. به‌منظور مطالعه تأثیر عوامل اجتماعی و بلوغ زودرس بر جامعه‌پذیری، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: آیا بلوغ زودرس بر جامعه‌پذیری تأثیر دارد؟ آیا بین استفاده از رسانه‌های جدید و جامعه‌پذیری به‌دلیل بلوغ زودرس رابطه وجود دارد؟ آیا بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جامعه‌پذیری به‌دلیل بلوغ زودرس رابطه وجود دارد؟ آیا بین نبود کنترل اجتماعی دختران و جامعه‌پذیری به‌دلیل بلوغ زودرس رابطه وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره بلوغ زودرس، از بعد روان‌شناختی و پزشکی به این موضوع پرداخته‌اند و کمتر رابطه بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری بررسی شده است. بعضی از این پژوهش‌ها در اینجا معرفی می‌شوند.

علوی لنگرودی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی پدیده بلوغ زودرس»، بلوغ زودرس جنسی را یکی از عوامل بزهکاری نوجوانان معرفی کرد و به این نتیجه رسید که خانواده، بهترین نقش را در ایجاد یا جلوگیری از بزهکاری ایفا می‌کند. در این پژوهش مشخص شده است که محیط، آموزش والدین، ایجاد فضای معنوی در خانواده و جامعه، نقش بسیار مؤثری در جلوگیری از این پدیده دارد. نجفی علمی (۱۳۸۹) در مقاله «فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر بلوغ زودرس»، به بررسی تأثیرهای استفاده از فناوری اطلاعات بر بلوغ زودرس پرداخته است. وی

آسیب‌هایی مانند ایجاد اضطراب و نگرانی و ابتلا به افسردگی، بروز مشکل در تحصیل، اختلال در خواب، خودارضایی و... را به‌عنوان آسیب‌های بلوغ زودرس معرفی کرد. علی‌نیا (۱۳۸۷) در پایان‌نامه «بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن»، نشان داد: ۱. روابط معناداری بین هنجارهای اجتماعی خانواده و مدرسه و نوع جامعه‌پذیری آن‌ها وجود دارد. ۲. گرایش فرد به هنجارهای اجتماعی، با هنجارهای خانواده و مدرسه و نیز با نوع جامعه‌پذیری آن‌ها ارتباط معنادار دارد و ۳. در مطالعه تأثیر نهاد خانواده بر گرایش‌های فرد به هنجارهای اجتماعی و مقایسه آن با نهاد مدرسه، سهم بیشتر نهاد خانواده مشهود است.

ملیسا شولور^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی روانی مادران و دختران در زمان تشخیص بلوغ زودرس» نشان دادند که با وجود نگرانی‌ها و استرس روانی در دختران با بلوغ زودرس، حمایت چندانی از این دختران صورت نمی‌گیرد. در این تحقیق، سه گروه از دختران، شامل دخترانی که بلوغ زودرس طبیعی دارند (EPN)، دخترانی که آدرنارک^۲ زودرس دارند (PA) و دخترانی که در ظاهر درمان نشده‌اند (CPP)، بررسی شدند. براساس نتایج، درحالی‌که مادران دخترانی که آدرنارک زودرس دارند (PA)، از افزایش پریشانی روانی گزارش دادند، هیچ تفاوتی در سازگاری روانی در بین سایر دختران پیدا نشد. مشخص نیست که این نتایج در فرایند بلوغ این سه گروه از دختران تغییر خواهد کرد یا خیر.

بیل^۳ (۲۰۱۲) در مقاله «زود رسیدن» بیان می‌کند که بلوغ زودرس در میان دختران، معمایی علمی شده است. امروزه بیش از ۱۵۰ سال بعد، بیشتر پزشکان به این نتیجه رسیده‌اند که بلوغ در کودکان زودتر رخ می‌دهد.

تلیمان^۴ و همکاران (۲۰۰۶)، مطالعه‌ای با عنوان «خطر افزایش ابتلا به بلوغ زودرس در کودکان مهاجر در دانمارک» انجام دادند. در این مطالعه، ۶۵۵ مورد بلوغ زودرس ثبت شد و نتایج مطالعه نشان داد که احتمال بلوغ زودرس در کودکان مهاجر، ۱۰ تا ۲۰ برابر بیشتر از کودکان دانمارکی است. همچنین خطر ابتلا به بلوغ زودرس در کودکان درحال افزایش است، اما خطر احتمال اپیدمیولوژیک برآورد نشده است.

1. Melissa J. Schoelwer
2. Adernache
3. Laura Beil
4. Grete Teilmann

دورن و دیورا^۱ (۲۰۰۴) در مقاله «بلوغ زودرس در دختران، مورد آدرنارک زودرس»، موضوع بلوغ زود هنگام در دختران را بررسی کردند. در این مقاله، ابتدا مروری مختصر از توسعه عادی بلوغ ارائه شده و سپس به بحث و جدل درباره اینکه آیا بلوغ واقعاً زودتر در دختران اتفاق می‌افتد، پرداخته شده است. همچنین اهمیت مسئله بلوغ زودرس و تبعات نادیده‌گرفتن آن مطالعه شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تاکنون رابطه بین بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری بررسی نشده است. به همین دلیل، نگارندگان ناچار به منابعی مراجعه کرده‌اند که بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری را به‌طور جداگانه مطالعه کرده‌اند. شاید یکی از دلایل نبود چنین مطالعه‌ای، مطرح‌نبودن آن به‌عنوان یک مسئله و پدیده اجتماعی بوده است، اما در جامعه امروز، بلوغ زودرس فراگیر شده و افراد زیادی را درگیر خود کرده است. عوارض این پدیده، جمعیت زیادی شامل نوجوانان و خانواده‌های آنان و همین‌طور سازمان‌هایی مانند آموزش و پرورش را دچار مشکل ساخته است. بدین ترتیب، مطالعه این پدیده ضروری به‌نظر می‌رسد.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

کنترل اجتماعی (پارسونز^۲، دورکیم^۳): به‌نظر پارسونز (۱۹۵۱)، کنترل اجتماعی به میزان کارایی جامعه‌پذیری افراد بستگی دارد؛ زیرا در فرایند جامعه‌پذیری، الگوهای عمومی باورها و اعمال، تثبیت می‌شوند و توسعه می‌یابند. پارسونز محرک مادی، اقتناع، اجبار و اضطراب را جدا از جامعه‌پذیری پیشنهاد می‌کند که به‌وسیله آن، با ارزش‌ها و هنجارها هم‌نوایی می‌شود. به‌اعتقاد وی، جامعه‌پذیری، سازوکار اولیه کنترل اجتماعی است؛ زیرا در فرایند جامعه‌پذیری، افراد ارزش‌های اجتماعی را درونی می‌کنند و این ارزش‌ها جزئی از شخصیت آن‌ها می‌شود. وقتی فرایند جامعه‌پذیری، ارزش‌های مقبول را درونی نکنند، سه سازوکار دیگر (محرک مادی، اقتناع و اضطراب و اجبار) ظاهر می‌شوند و به‌گونه‌ای مؤثر عمل می‌کنند.

از نظر دورکیم، واقعیت‌های اجتماعی و به‌ویژه قواعد اخلاقی، تنها در صورت درونی‌شدن در وجدان فردی، به راهنما و نظارت‌کننده مؤثر رفتار بشر تبدیل می‌شوند؛ ضمن آنکه همچنان مستقل از افراد باقی می‌مانند؛ بنابراین این نظر، الزام، دیگر تحمیل صرف نظارت‌های خارجی بر

1. Lorah D. Dorn
2. Parsons
3. Durkheim

اراده فردی نیست؛ بلکه شکل یک اجبار اخلاقی برای اطاعت از قانون را به خود می‌گیرد. بدین معنا جامعه چیزی هم فراسوی ما و هم در درون ماست (کوزر، ۱۳۸۶: ۱۸۸). همنوایی با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه توسط دخترانی که بلوغ زودرس دارند، به نوع اجتماعی شدن آن‌ها بستگی دارد. اگر این دختران، ارزش‌ها را با رضایت و علاقه پذیرفته باشند، کنترل اجتماعی آن‌ها بسیار ساده‌تر است. پس چگونگی کنترل اجتماعی دخترانی که بلوغ زودرس دارند، بر جامعه‌پذیری آن‌ها تأثیرگذار است. اگر این دختران به حال خود رها شوند و از طرف خانواده و سایر نهادها به آن‌ها بی‌توجهی شود، جهت جامعه‌پذیری آن‌ها تغییر می‌کند و امکان اینکه ارزش‌هایی را بپذیرند که با ارزش‌های جامعه همخوانی نداشته باشد، بسیار است.

استفاده از شبکه‌های اجتماعی (هابرماس^۱، مارکوزه^۲): هابرماس مدرنیته را پروژه‌ای ناتمام می‌داند که در صورت تلاش و کسب موفقیت در به‌کمال‌رساندن آن، سرنوشت و آینده‌ای مثبت در انتظار جامعه بشری است. هابرماس رمز این موفقیت را در ارتباط جست‌وجو می‌کند و شاه‌کلید آن را کنش ارتباطی انسان می‌داند. در وجود انسان، نیازهای اساسی و اصلی وجود دارد که همگی افراد به‌طور کاملاً آزاد، آن‌ها را احساس می‌کنند و این نیازها، از طرف هر کس که صمیمانه وارد گفتمان عملی شود، ضرورتاً برآورده خواهد شد؛ بنابراین، در محیط‌های تعاملی مانند اینترنت و تلفن همراه- که فضای احساسی، دوسویه و روابط صمیمانه‌تر است- افراد به‌راحتی می‌توانند نیازهای خود را مطرح و فضای گفتمان و مباحثه را ایجاد کنند. طی این مباحثه، افکار و باورهای جدیدی شکل می‌گیرد که سبب تغییر زیست‌جهان افراد می‌شود (استیون، ۱۳۸۰: ۷). مارکوزه معتقد بود که فناوری در جامعه نوین، به تمامیت‌خواهی راه می‌برد. فناوری، به روش‌های مؤثر و حتی دلخوش‌کننده‌تر نظارت خارجی بر افراد منجر می‌شود. نمونه بارز این قضیه، کاربرد تلویزیون برای اجتماعی‌کردن و ساکت‌کردن مردم است (نمونه دیگر، ورزش‌های توده‌ای و سوءاستفاده از سکس است). او این تفکر را رد می‌کند که فناوری در جهان نوین، بی‌طرف است و آن را در عوض وسیله‌ای برای تسلط بر مردم می‌داند.

یکی از مؤثرترین دام‌های شرکت‌ها و پایگاه‌های اینترنتی، مسائل جنسی است که تنها به‌وسیله همین یک بخش از فناوری اطلاعات می‌توانند کودکان، نوجوانان و جوانان را به اضمحلال بکشند، کشوری را فلج سازند و آینده آن را در هاله‌ای از ابهام قرار دهند. هنگامی که

1. Habermas
2. Marcuse

مسائل جنسی، پیش از سن طبیعی و مقرر به افراد عرضه شود، اذهان آنان را دچار تناقض می‌کند و کم‌کم به سمت بلوغ جنسی زودرس پیش می‌برد. اگر این موضوع، ساده تلقی شود و روزه‌روز در خانواده‌ها و جامعه گسترش یابد، حل آن بسیار مشکل خواهد شد و ممکن است صدمه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد کند (نجفی، ۱۳۸۹: ۴۴).

با تأمل در نظریه کنش ارتباطی هابرماس و جامعه تک‌بعدی مارکوزه می‌توان دریافت که اینترنت و فضای مجازی، با ایجاد فضایی کاملاً شخصی و به‌دور از هر نوع روابط قدرت در مدرسه یا خانواده، حوزه‌ای مبتنی بر روابط آزاد ارتباطی را برای دانش‌آموزان - که حس استقلال‌طلبی در آنان در حال شکوفایی است - فراهم می‌آورد. مشاهده فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل اینترنتی، بلوغ زودرس به دنبال دارد که دارای عوارض فردی و اجتماعی است و نتیجه آن، تغییر در باورها و ارزش‌ها و در یک کلام، تغییر در شیوه جامعه‌پذیری است. دانش‌آموزانی که بیشتر از اینترنت برای کنش ارتباطی استفاده می‌کنند، جامعه‌پذیری‌شان (ارزش‌ها، هنجارها و باورهایشان) از این ارتباط تأثیر می‌پذیرد. پس چگونگی استفاده از اینترنت و فضای مجازی، بر روند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، نظریه کنش ارتباطی هابرماس و جامعه تک‌بعدی مارکوزه، ما را برای تبیین بیشتر و بهتر تأثیر اینترنت بر جامعه‌پذیری در میان دانش‌آموزان دختر یاری می‌دهد. از آنجاکه استفاده نابجا از شبکه‌های اجتماعی، بلوغ زودرس را به دنبال دارد، می‌توان گفت بلوغ زودرس از طریق استفاده از شبکه‌های اجتماعی، بر جامعه‌پذیری دختران تأثیر می‌گذارد.

پایگاه اجتماعی اقتصادی (بورديو^۱): بورديو معتقد است که اندیشه و عملکرد کنشگران اجتماعی، بیش از هر چیز متأثر از ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است و با شناخت این ساخت‌ها می‌توان عملکرد افراد را در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی پیش‌بینی کرد. از دیدگاه بورديو، افراد در پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی، به تدریج عادت‌واره‌هایی به دست می‌آورند که هر یک از این عادت‌واره‌ها (سبک زندگی، نوع خوراک، پوشاک، علایق و سلیقه‌ها)، بر نحوه نگرش، تصمیم‌گیری و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد (ممتاز، ۱۳۸۳: ۲۷).

افراد با توجه به پایگاه اقتصادی - اجتماعی که در جامعه به دست آورده‌اند، سبک زندگی متفاوتی در پیش می‌گیرند. کسانی که درآمد و تحصیلات بالا دارند، علائق و ارزش‌های خاصی

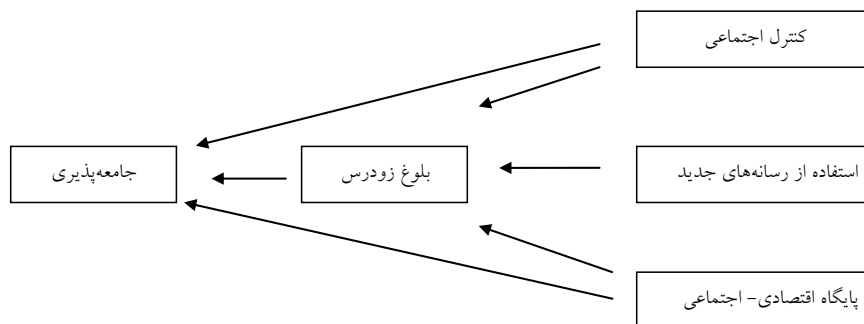
متناسب با طبقه‌شان به دست می‌آورند و متناسب با پایگاه اقتصادی- اجتماعی‌ای که در آن قرار دارند، جامعه‌پذیری متفاوتی در پیش می‌گیرند و ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را درونی می‌کنند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی (کنترل اجتماعی، استفاده از رسانه‌های جدید و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) و بلوغ زودرس با جامعه‌پذیری، رابطه وجود دارد. مشاهده می‌شود که بخشی از فرضیه اصلی تحقیق، سهم‌تغیری است. براین اساس، فرضیه‌های تحقیق ارائه می‌شود.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری، رابطه وجود دارد.
۲. بین استفاده از رسانه‌های جدید و جامعه‌پذیری، رابطه وجود دارد.
۳. بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جامعه‌پذیری، رابطه وجود دارد.
۴. بین کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری، رابطه وجود دارد.
۵. بین استفاده از رسانه‌های جدید و بلوغ زودرس، رابطه وجود دارد.
۶. بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و بلوغ زودرس، رابطه وجود دارد.
۷. بین کنترل اجتماعی و بلوغ زودرس، رابطه وجود دارد.
۸. بین استفاده از رسانه‌های جدید و جامعه‌پذیری از طریق بلوغ زودرس، رابطه وجود دارد.
۹. بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جامعه‌پذیری از طریق بلوغ زودرس، رابطه وجود دارد.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

روش پژوهش و جامعه آماری

روش این پژوهش، پیمایشی است و اطلاعات آن از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری آن، شامل تمامی مدارس راهنمایی دخترانه شهر شیراز است که براساس آمار آموزش و پرورش شیراز، شامل ۳۳۳۳ دانش‌آموز دختر است. نمونه تحقیق، با جایگزینی در فرمول کوکران و با واریانس ۰/۱۵، ۲۵۰ نفر به دست آمد.

روایی و پایایی

با توجه به اهمیت جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا از روایی محتوای پرسشنامه اطمینان حاصل شد. روایی محتوا بدین معناست که ابزار اندازه‌گیری، همه ویژگی‌های مفهوم مورد مطالعه را دربردارد (ناجمیاس، ۱۳۸۱: ۲۳۶). در این پژوهش، برای حصول روایی قابل قبول در نشست‌های متعدد با مشورت خبره این حوزه، معتبرترین شاخص‌ها از میان شاخص‌های موجود در پرسشنامه آزموده شده پیشین گردآوری شدند. بهترین روش برای تعیین پایایی ابزار اندازه‌گیری، به دست آوردن آلفای کرونباخ است. این روش برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه‌گیری به‌ویژه پرسشنامه به‌کار می‌رود. در این پژوهش، ابتدا مطالعه‌ای مقدماتی، روی یک نمونه ۳۰ نفری از دانش‌آموزان راهنمایی دخترانه انجام شد. سپس برای متغیرها آلفای کرونباخ گرفته شد که برای متغیر بلوغ زودرس، مقدار آلفا ۰/۷۵ و برای جامعه‌پذیری ۰/۷۴ درصد است. در نتیجه، پرسشنامه از نظر کمیت و کیفیت، پایایی و همسازی درونی بالایی دارد. آلفای متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	آلفای استاندارد شده	آلفای استاندارد نشده	تعداد گویه‌ها
جامعه‌پذیری	۰/۷۴۲	۰/۷۳۷	۸
بلوغ زودرس	۰/۷۵۴	۰/۷۵۶	۱۳
کنترل اجتماعی	۰/۸۳۷	۰/۸۲۸	۹
استفاده از رسانه جدید	۰/۷۵۲	۰/۷۴۴	۱۱

مطابق مقادیر جدول ۱، مقدار آلفای متغیرهای اصلی پژوهش، بیان‌کننده پایایی قابل‌قبول ابزار تحقیق است.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

جامعه‌پذیری: جامعه‌پذیری فرایندی است که افراد از هنگام تولد تا مرگ، به شیوه‌های گوناگون از آن تأثیر می‌پذیرند. این فرایند، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد منتقل می‌کند و بدین‌سان نسل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. افراد از این راه یاد می‌گیرند که چگونه به نیازهای اجتماعی و زیستی خود، به‌گونه‌ای که از دیدگاه اجتماعی پذیرفته‌شده باشد، پاسخ گویند تا به ارزش‌ها، هنجارها و اهداف فرهنگی آسیبی نرسد (کیدنز، ۱۳۸۱: ۱۰۷). برای سنجش متغیر جامعه‌پذیری، از نه گویه با طیف لیکرت، از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم استفاده شده است. معرف‌های استفاده‌شده برای سنجش جامعه‌پذیری، شامل رعایت ارزش‌ها و هنجارها، رفتار مطابق عرف جامعه، رعایت قوانین مدرسه، مشورت با خانواده، تعهد و مسئولیت در امور است.

کنترل اجتماعی: کنترل یا نظارت اجتماعی، درواقع، به بسط فراگرد اجتماعی شدن اطلاق می‌شود. این نظارت‌ها از طریق روش‌ها و وسایلی امکان‌پذیر است که در جامعه به‌کار بسته می‌شوند تا افراد را وادارند که خود را با چشمداشت‌های یک گروه یا جامعه خاص تطبیق دهند (کوئن، ۱۳۸۴: ۱۴۵). در این پژوهش، متغیر کنترل اجتماعی با نه گویه و با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت سنجیده شده است. کنترل اجتماعی، با در نظر گرفتن دو بعد کنترل اجتماعی مدرسه و کنترل اجتماعی خانواده سنجیده می‌شود. گویه‌ها با معرف‌هایی مانند نظارت معلمان و والدین دانش‌آموزان بر نحوه گذران اوقات فراغت، رفت‌وآمد، انجام فرایض دینی، استفاده از ماهواره و اینترنت، پوشش ظاهری و رعایت قوانین و مقررات و نظارت معلمان بر پوشش و ظاهر، رفتار، فرایض دینی و رعایت قوانین سنجیده می‌شود.

استفاده از رسانه‌های جدید: رسانه به تمام ابزارهای غیرشخصی ارتباطی گفته می‌شود که به‌وسیله آن، پیام‌های دیداری یا شنیداری، به‌طور مستقیم به مخاطبان انتقال می‌یابند (خالصی، ۱۳۷۸: ۲۷۴). در این پژوهش، این متغیر با هشت گویه پنج‌گزینه‌ای کمتر از نیم ساعت، بین نیم تا یک ساعت، بین یک تا دو ساعت و بیش از دو ساعت استفاده نمی‌کنم، میزان استفاده از رسانه‌ها سنجش می‌شود. این متغیر، با معرف‌های استفاده از فیس‌بوک، شبکه‌های فشن و

ماهواره‌ای، سریال ماهواره، اخبار ماهواره، اینترنت و دانلود، اینترنت و چت، به‌صورت اسمی عملیاتی شده است.

بلوغ زودرس: تعریف پزشکی بلوغ زودرس، بلوغ زودتر از ۷ سالگی است که به‌ندرت ژنتیکی است. از نظر پزشکی، در بیشتر موارد، ناشی از اختلال در ترشح هورمون‌هاست. ترشح غیرطبیعی هورمون‌ها ممکن است ناشی از وجود تومورهای مغزی (به‌ویژه تومورهای هیپوفیز) باشد. این تومورها با تولید غیرطبیعی هورمون‌های جنسی یا هورمون محرک تیروئید یا پرولاکتین، به شروع زودرس مراحل بلوغ در دختران و درنهایت، شروع عادت ماهیانه زودتر از هفت‌سالگی منجر می‌شوند. البته در بعضی پژوهش‌ها، شروع مراحل بلوغ، در هشت یا نه‌سالگی هم طبیعی تلقی نمی‌شود و به بررسی نیاز دارد (گریبالدی، ۲۰۰۷). از نظر روان‌شناختی، بلوغ زودرس، با رفتارهایی مانند پرخاشگری، تندخویی و روان‌پریشی و ضعف در تطابق با خواست‌های دیگران همراه است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴: ۹۲). از نظر اجتماعی، منظور از بلوغ زودرس، ظاهرشدن علائم بلوغ در دختران پیش از سن بلوغ و مشاهده تبعات آن مانند اضطراب و نگرانی، افسردگی، بروز مشکل در تحصیل و مدرسه، اختلال در خواب، مشکل‌های جسمی و خودارضایی، گرایش به ارتباط با جنس مخالف، معاشرت با دوستان بزرگ‌تر از خود، انجام فعالیت‌های سنت‌شکنانه مانند فرار از مدرسه، دیرآمدن به خانه، انزوا، استفاده از فیلم‌ها و تصاویر غیراخلاقی و... است. نشانه‌های بلوغ زودرس، از پژوهش‌های مگنسون و همکاران، آذردشتی و نجفی گرفته شده است و با ۱۳ گویه طیف لیکرت سنجیده شده است. معرف‌های متغیر در دو بعد نشانه‌های رفتاری و نشانه‌های جسمی، شامل موارد زیرند: تمایل به معاشرت با جنس مخالف، میل به فرار از مدرسه، غیبت از مدرسه، اهمیت ظاهر و آرایش، تمایل به جراحی زیبایی، انزوا، اختلال در خواب، میل به وقت‌گذرانی با دوستان، تمایل به معاشرت با جنس مخالف، گفت‌وگو با مادر درمورد بلوغ، رخ‌دادن اولین عادت ماهیانه، بروز اولین نشانه‌های بلوغ مانند رویش موهای ضخیم زیر بغل، بزرگ‌شدن سینه‌ها و رشد ناگهانی.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: پایگاه، موقعیت فرد در جامعه است و هرکسی تعدادی پایگاه را اشغال می‌کند. پایگاه مشخص می‌کند که فرد در کجای جامعه قرار دارد و چگونه باید با دیگر افراد رابطه داشته باشد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۹۵). در اینجا متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، با بهره‌گیری از درآمد ماهیانه خانوار، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر سنجیده شده است.

یافته‌ها

در ادامه، ابتدا به توصیف متغیرهای اصلی پرداخته می‌شود. سپس فرضیه‌ها ارائه و بررسی آماری می‌شوند. متغیرهای اصلی پژوهش در جدول ۲ به همراه بعضی آماره‌ها ارائه شده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	دامنه	میانگین	انحراف معیار	فراوانی	اسیمرنف - کولموگروف	معناداری
جامعه‌پذیری	۱۵-۴۷	۲۴	۶/۴	۲۴۹	۱/۷۷	۰/۰۰۴
بلوغ زودرس	۲۲-۵۹	۳۵/۸	۱۹/۳	۲۴۷	۱/۹۵	۰/۰۰۱
استفاده از رسانه‌ها	۹-۴۰	۲۸/۷	۵/۴	۲۵۰	۱/۴۶	۰/۰۲۸
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۳-۱۲	۷/۵	۲/۲	۲۵۰	۲/۳	۰/۰۰۰
کنترل اجتماعی	۱۰-۳۶	۲۵	۵/۱	۲۵۰	۲/۱۵	۰/۰۰۰

در جدول ۲، علاوه بر مقادیر دامنه، میانگین، انحراف معیار و فراوانی متغیرهای اصلی پژوهش، نحوه توزیع متغیرها با بهره‌گیری از آزمون نرمالیتی ارائه شده است. با توجه به معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵، همه متغیرها توزیع غیرنرمال دارند؛ بنابراین، برای آزمون رابطه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در فرضیه‌ها، از آزمون‌های ناپارامتری اسپیرمن و کروسکال وایس به جای پیرسون و آنالیز واریانس استفاده می‌شود. در جدول ۳، رابطه پنج فرضیه اول تحقیق مشاهده می‌شود.

جدول ۳. رابطه پنج فرضیه اول پژوهش

فرضیه‌ها	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری	فراوانی
رابطه بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری	-۰/۰۳۳	۶۲۹/	۲۴۹
رابطه جامعه‌پذیری و بلوغ زودرس جسمی	۰/۲۲۰	۱۰۱۲/	۲۴۷
رابطه جامعه‌پذیری و بلوغ زودرس رفتاری	-۰/۱۸۱	۱۰۱۴/	۲۴۸
رابطه استفاده از رسانه‌های جدید با جامعه‌پذیری	-۰/۲۳۴	۱۰۰۰/	۲۴۹
رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی با جامعه‌پذیری	۰/۱۸۱	۱۰۰۴/	۲۴۹
رابطه کنترل اجتماعی با جامعه‌پذیری	۰/۰۷۲	۲۵۶/	۲۴۹
رابطه کنترل اجتماعی با جامعه‌پذیری خانواده	۰/۱۴۰	۱۰۲۷/	۲۴۹
رابطه استفاده از رسانه‌های جدید و بلوغ زودرس	۰/۱۷۰	۱۰۰۷/	۲۴۷

با توجه به نتایج جدول و سطح معناداری ۰/۰۰۱ مشاهده می‌شود که رابطه معناداری بین بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری وجود ندارد؛ بنابراین، فرضیه اول پژوهش، مبنی بر وجود رابطه بین متغیر بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری رد می‌شود. با توجه به رد مهم‌ترین فرضیه پژوهش، دگرگونی‌های جسمی بلوغ زودرس، از تغییرات رفتاری تفکیک شد و دوباره آزمون همبستگی اسپیرمن، بین بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری بررسی شد که حاصل آن در جدول ۳ ارائه شده است.

نتایج آزمون جدول ۳ نشان می‌دهد بین بلوغ زودرس جسمی و جامعه‌پذیری، رابطه معنادار وجود دارد. به عبارتی، تغییرات جسمی، موجب تبعیت جدی‌تر دانش‌آموزان دختر از ارزش‌ها، هنجارها و قواعد محیطی می‌شود. با توجه به اینکه نتیجه کاملاً معکوس فرضیه پژوهش است، رابطه جامعه‌پذیری و بلوغ زودرس رفتاری پاسخگویان بررسی می‌شود.

جدول ۳ نشان می‌دهد رابطه جامعه‌پذیری و بلوغ زودرس رفتاری پاسخگویان، منفی و معنادار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری، با در نظر گرفتن الگوی رفتاری همراه با بلوغ زودرس، با جامعه‌پذیری رابطه منفی دارد.

با استناد به جدول، با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۰۰ رابطه آماری معناداری بین دو متغیر جامعه‌پذیری و استفاده از رسانه‌ها وجود دارد. با توجه به مقدار آزمون (۰/۲۳۴-) و منفی بودن جهت آن می‌توان گفت که رابطه‌ای غیرمستقیم بین متغیر جامعه‌پذیری و استفاده از رسانه‌ها وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۴)، رابطه معناداری بین متغیر جامعه‌پذیری و پایگاه اقتصادی- اجتماعی وجود دارد. همچنین با توجه به مقدار آزمون ۰/۱۸۱ و جهت مثبت آن می‌توان گفت رابطه متغیر جامعه‌پذیری و پایگاه اقتصادی- اجتماعی، مستقیم است.

با توجه به سطح معناداری (۰/۲۵۶)، رابطه معناداری بین متغیر جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی وجود ندارد و فرضیه چهارم پژوهش (بین کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری رابطه وجود دارد) رد می‌شود. پیش از این اشاره شد که کنترل اجتماعی، با دو بعد خانواده و مدرسه سنجیده شده است. با تفکیک دو بعد، مجدداً رابطه در جدول ۳ بررسی می‌شود. این جدول نشان می‌دهد کنترل خانواده، با جامعه‌پذیری دانش‌آموزان رابطه معنادار دارد؛ بنابراین، تأثیر کنترل اجتماعی خانواده، بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأیید می‌شود، اما این رابطه، بین کنترل اجتماعی مدرسه و جامعه‌پذیری تأیید نمی‌شود.

با استناد به نتایج جدول، با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۰۷، رابطه آماری معناداری بین دو متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جدید و بلوغ زودرس وجود دارد. با توجه به مقدار آزمون (۰/۱۷۰) و مثبت بودن آن می‌توان گفت که رابطه مستقیم و مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد و با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های جدید (ماهواره و اینترنت)، شاهد بلوغ زودرس بیشتر در بین دختران خواهیم بود. در نتیجه، فرضیه پنجم، مبنی بر وجود رابطه میزان استفاده از رسانه‌های جدید با بلوغ زودرس تأیید می‌شود.

در جدول ۴، میانگین بلوغ زودرس براساس نوع استفاده از سایت‌های اینترنتی مقایسه می‌شود.

جدول ۴. میانگین بلوغ زودرس و نوع استفاده پاسخگویان از سایت‌های اینترنتی

نوع استفاده از سایت	میانگین رتبه‌ها	میانگین مقادیر	فراوانی
علمی	۱۵۴/۹	۴۰	۴۷
فیس‌بوک	۱۰۴/۵	۳۳	۱۳۱
تفریحی	۱۳۳/۷۶	۳۶	۳۸
خبری	۱۴۴/۵	۳۹	۴
استفاده نمی‌کنم	۱۴۷	۳۹	۲۷
جمع	-	-	۲۴۷
کروسکال والیس		۲۲/۶	
معناداری		۰/۰۰۰	

با توجه به جدول، استفاده از سایت‌های علمی با میانگین ۱۵۴/۹، خبری با میانگین ۱۴۴/۵، تفریحی با میانگین ۱۳۳/۷۶ و فیس‌بوک با میانگین ۱۰۴/۵، به ترتیب بیشترین استفاده را در بین دختران داشته است و با توجه به سطح معناداری و با توجه به میانگین، دخترانی که بلوغ زودرس دارند، بیشتر از سایت‌های علمی، تفریحی و خبری استفاده می‌کنند.

در جدول ۵، تفاوت میانگین بلوغ زودرس براساس نوع استفاده از سایت‌های اینترنتی، از طریق آزمون ناپارامتری کروسکال والیس آزمون می‌شود.

جدول ۵. مقایسه میانگین بلوغ زودرس و نوع استفاده پاسخگویان از سایت‌های اینترنتی

متغیر	کروسکال والیس	معناداری	فراوانی
نوع استفاده از سایت‌های اینترنتی	۲۲/۶	۰/۰۰۰	۲۴۷

با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰)، رابطه معناداری بین متغیر بلوغ زودرس و نوع استفاده از سایت‌های اینترنتی وجود دارد.

درمورد برنامه‌های ماهواره‌ای و نوع گرفتن اطلاعات از سایت‌های اینترنتی، نتیجه‌ای مشابه مقایسه میانگین بلوغ زودرس و نوع استفاده از سایت‌های اینترنتی به دست آمد. به عبارتی، با استفاده بیشتر از برنامه‌های علمی و خبری ماهواره و کپی‌برداری از سایت‌های علمی و خبری، میانگین بلوغ زودرس بیشتر مشاهده می‌شود. تفاوت‌های میانگین با آزمون کروسکال والیس معنادار است. در جدول ۶، رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و بلوغ زودرس بررسی می‌شود.

جدول ۶. رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و بلوغ زودرس

فرضیه‌ها	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری	فراوانی
رابطه بین بلوغ زودرس و پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان	-۰/۲۰۰	۰/۰۰۰	۲۴۷
رابطه بلوغ زودرس با کنترل اجتماعی پاسخگویان	-۰/۳۵۸	۰/۰۰۰	۲۴۷

با توجه به داده‌های جدول و سطح معناداری (۰/۰۰۰) ملاحظه می‌شود که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و بلوغ زودرس، رابطه معنادار وجود دارد. همچنین با توجه به مقدار آزمون $-۰/۲۰۰$ ، رابطه‌ای معکوس و منفی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و بلوغ زودرس وجود دارد. به عبارتی هرچه پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر باشد، یعنی درآمد و تحصیلات بالاتر باشد، بلوغ زودرس کمتری را در دختران می‌بینیم و هر چه فرد در طبقه پایین‌تری قرار داشته باشد، بلوغ زودرس در دختران افزایش می‌یابد.

جدول نشان می‌دهد بین کنترل اجتماعی و بلوغ زودرس، رابطه معنادار وجود دارد؛ بنابراین، کنترل اجتماعی با بلوغ به‌موقع دانش‌آموزان رابطه دارد.

در ادامه، در جدول ۷ رابطه میزان استفاده از رسانه‌های جدید بر جامعه‌پذیری به دلیل بلوغ

زودرس بررسی می‌شود.

جدول ۷. رابطه میزان استفاده از رسانه‌های جدید بر جامعه‌پذیری به دلیل بلوغ زودرس

فرضیه‌ها	همبستگی تفکیکی	سطح معناداری	فراوانی
همبستگی میزان استفاده از رسانه‌های جدید و جامعه‌پذیری با کنترل بلوغ زودرس پاسخگویان	-۰/۱۸۳	۰/۰۰۴	۲۴۴
همبستگی بین بلوغ زودرس و کنترل اجتماعی پاسخگویان	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰	۲۴۴

با کنترل متغیر بلوغ زودرس، سطح معناداری برای تأثیر استفاده از رسانه‌های جدید بر جامعه‌پذیری ۰/۰۰۴ است و استفاده از رسانه‌ها و جامعه‌پذیری در دختران، رابطه‌ای معنادار با کنترل شدن متغیر بلوغ زودرس وجود دارد، اما همان‌طور که در جدول ۷ می‌بینیم، سطح معناداری بین متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها و جامعه‌پذیری ۰/۰۰۰ است و با کنترل کردن متغیر بلوغ زودرس، به ۰/۰۰۴ تغییر یافته است. با توجه به این عوامل می‌توان استنباط کرد که متغیر بلوغ زودرس به واسطه متغیر استفاده از رسانه‌ها بر جامعه‌پذیری تأثیر گذاشته است. مشاهده می‌شود که رابطه استفاده از رسانه‌های جدید و جامعه‌پذیری با کنترل متغیر بلوغ زودرس همچنان معنادار است.

با کنترل متغیر بلوغ زودرس، سطح معناداری برای تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جامعه‌پذیری ۰/۰۰۰ است و بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و متغیر جامعه‌پذیری (با کنترل متغیر بلوغ زودرس)، رابطه معناداری وجود دارد. همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، سطح معناداری بین متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها و جامعه‌پذیری ۰/۰۰۴ است و با کنترل کردن متغیر بلوغ زودرس، سطح معناداری به ۰/۰۰۰ تغییر یافته است. با توجه به این عوامل می‌توان استنباط کرد که متغیر بلوغ زودرس، بر رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جامعه‌پذیری تأثیرگذار است.

در جدول ۸، رابطه متغیر کنترل اجتماعی و بلوغ زودرس بررسی می‌شود.

جدول ۸ همبستگی بلوغ زودرس و کنترل اجتماعی پاسخگویان

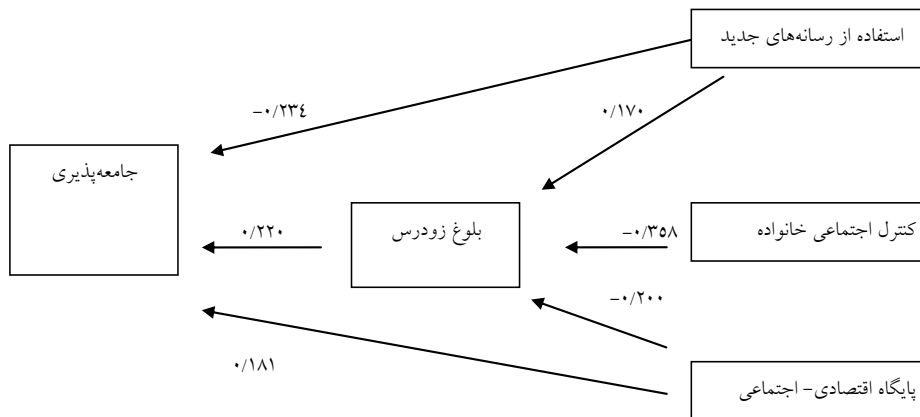
متغیر	اسپیرمن	معناداری	فراوانی
کنترل اجتماعی	-۰/۳۵۸	۰/۰۰۰	۲۴۷

جدول ۸ رابطه کنترل اجتماعی و بلوغ زودرس را معنادار نشان می‌دهد. رابطه منفی است؛ یعنی با افزایش کنترل اجتماعی، میزان بلوغ زودرس کاهش می‌یابد. در ادامه، رابطه کنترل خانواده و جامعه‌پذیری - هنگامی که بلوغ زودرس نباشد - بررسی می‌شود. کنترل اجتماعی خانواده، به این دلیل بر کنترل اجتماعی ترجیح داده شده است که رابطه کنترل خانواده و جامعه‌پذیری تأیید شده است. این رابطه در جدول ۹ ارائه می‌شود.

جدول ۹. همبستگی بین کنترل اجتماعی خانواده و جامعه‌پذیری پاسخگویان بدون بلوغ زودرس

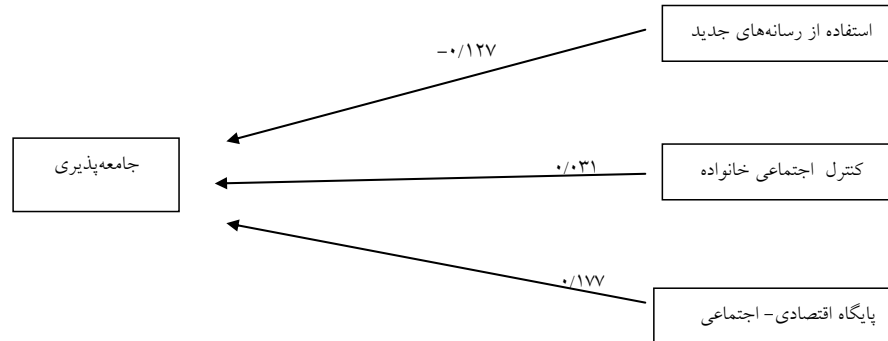
متغیر	اسپیرمن	معناداری	فراوانی
کنترل اجتماعی خانواده	۰/۱۱۸	۰/۰۶۵	۲۴۴

جدول نشان می‌دهد هنگامی که بلوغ زودرس کنترل می‌شود، رابطه کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری، غیرمعنادار می‌شود.



شکل ۲. همبستگی‌های دومتغیری مدل پژوهش

شکل ۲، رابطه معنادار متغیرهای مستقل (استفاده از رسانه‌های جدید، کنترل خانواده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی) را با متغیر وابسته جامعه‌پذیری نشان می‌دهد. رابطه بلوغ زودرس جسمی و جامعه‌پذیری نیز تأیید شده است. پس از اعمال همبستگی تفکیکی، مدل نظری پژوهش به صورت شکل ۳ به دست آمد.



شکل ۳. پس از آزمون همبستگی تفکیکی

شکل ۳، براساس یافته‌هایی ارائه می‌شود که با در نظر گرفتن ابعاد متغیرها، روابطی مشابه با مدل نظری تحقیق را نشان می‌دهد؛ مانند کنترل خانواده که با جامعه‌پذیری رابطه نشان داد و بلوغ زودرس رفتاری که با جامعه‌پذیری رابطه منفی دارد. در حالی که برخلاف انتظار، بلوغ زودرس جسمی با جامعه‌پذیری رابطه مثبت دارد و کنترل اجتماعی مدرسه و خانواده با جامعه‌پذیری رابطه‌ای ندارد. در صورتی که با تفکیک جامعه‌پذیری از طریق مدرسه و خانواده و در نظر گرفتن کنترل خانواده، رابطه مطابق انتظار تایید شد. بر این مبنا ملاحظه می‌شود که در شکل ۳، با کنترل متغیر بلوغ زودرس رفتاری، رابطه کنترل خانواده و جامعه‌پذیری بی‌معنا شد. در مورد رسانه و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، هرچند رابطه هنوز معنادار است، به میزان شایان توجهی کاهش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیر معنی‌دار بلوغ زودرس بر جامعه‌پذیری دختران جوان (البته با واسطه متغیرهای رابط همچون کنترل خانوادگی، استفاده از رسانه‌های جدید و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر، عوامل اجتماعی مؤثر بر بلوغ زودرس و جامعه‌پذیری در میان دختران شهر شیراز بررسی شده است. این عوامل اجتماعی، شامل متغیرهای کنترل اجتماعی، استفاده از رسانه‌های جدید و پایگاه اقتصادی-اجتماعی هستند. دلیل انتخاب شهر شیراز برای انجام این پژوهش، وجود تنوع قومی و خرده‌فرهنگ‌های متنوع در این شهر است که مسئله جامعه‌پذیری

در نوجوانان را قدری پیچیده‌تر کرده است. جامعه‌پذیری در جوامع همگون، همواره ساده‌تر از جوامع ناهمگون است. این امر در مسیر رشد و بلوغ نسل نوجوان، چالشی بزرگ ایجاد می‌کند. چارچوب نظری این پژوهش، با بهره‌گیری از نظریه‌های پارسونز، دورکیم (کنترل اجتماعی)، هابرماس و مارکوزه (استفاده از رسانه جدید) و بوردیو (پایگاه اجتماعی - اقتصادی) تدوین شد. نتایج نشان داد جز رابطه کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری و رابطه بلوغ زودرس با جامعه‌پذیری، فرضیه‌های دیگر تأیید می‌شود؛ یعنی استفاده از رسانه‌های جدید و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با جامعه‌پذیری رابطه دارد. هر سه متغیر استفاده از رسانه‌های جدید، کنترل اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، با متغیر بلوغ زودرس رابطه معنادار دارند. دو فرضیه تأیید نشده رابطه کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری و رابطه بلوغ زودرس با جامعه‌پذیری، در بسیاری از پژوهش‌های اجتماعی تأیید شده‌اند. به همین سبب، منظور رابطه‌ها در سطح ابعاد متغیرها بیشتر بررسی شد. متغیر کنترل اجتماعی، متشکل از دو بعد کنترل اجتماعی خانواده و کنترل اجتماعی مدرسه است. تفکیک این دو و بررسی رابطه با جامعه‌پذیری نشان داد کنترل اجتماعی خانوادگی با جامعه‌پذیری رابطه معنادار دارد، اما این رابطه بین کنترل اجتماعی مدرسه و جامعه‌پذیری تأیید نمی‌شود. به عبارتی، کنترل اجتماعی خانواده در میان دانش‌آموزان دختر شهر شیراز، کارآمدتر از کنترل اجتماعی مدرسه بر این دانش‌آموزان است. هنگامی که متغیر بلوغ زودرس رفتاری کنترل شد، مطابق انتظار رابطه میان کنترل اجتماعی خانواده و جامعه‌پذیری بی‌معنا شد؛ بنابراین، متغیر بلوغ زودرس رفتاری به‌عنوان یک متغیر واسطه بین کنترل اجتماعی خانواده و جامعه‌پذیری تأثیرگذار است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، متغیر بلوغ زودرس نیز شامل دو بعد بلوغ زودرس رفتاری و بلوغ زودرس جسمی است. بلوغ زودرس جسمی، برخلاف انتظار با جامعه‌پذیری رابطه مثبت دارد. یعنی با افزایش بلوغ زودرس جسمی، نه تنها جامعه‌پذیری دچار اختلال نمی‌شود، بلکه تقویت نیز می‌شود. این رابطه با بعد رفتاری بلوغ زودرس به‌گونه‌ای دیگر به‌دست آمد؛ یعنی با افزایش بلوغ زودرس رفتاری، جامعه‌پذیری کاهش می‌یابد که مطابق انتظار است؛ بنابراین، دستاورد پژوهش حاضر، یافته‌های لنگرودی، علی‌نیا، پارسونز و دورکیم را - که نقش کنترل خانواده را بر جامعه‌پذیری و بلوغ زودرس مؤثر می‌دانند - تأیید می‌کند. نظر هابرماس و مارکوزه درمورد نقش منفی رسانه‌های جدید بر جامعه‌پذیری و بلوغ زودرس نیز تأیید شد. همچنین نظریه تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی - که تعیین‌کننده عادت‌واره‌ها، سلاقی و علایق افراد است - نیز با الهام از نظریه بوردیو بر جامعه‌پذیری و بلوغ زودرس تأیید شد، اما

نتایج نشان می‌دهد روابط مطرح‌شده در نظریه‌ها باید در سطحی پیچیده‌تر و به‌دور از کلی‌نگری بررسی و مطالعه شود؛ برای مثال، تبیین نقش کارگزاران کنترل اجتماعی - که معمولاً مدرسه و خانواده در نظر گرفته می‌شوند - به مطالعه دقیق‌تر نیازمند است، اما نقش هدایتگر و حمایتگر خانواده دانش‌آموزان، هنوز از نقش تربیتی مدارس برجسته‌تر است. مدرسه در زمینه کنترل اجتماعی دانش‌آموزان کمتر موفق بوده است و در این زمینه، هنوز خانواده تعیین‌کننده اصلی است. نکته دیگر در مورد متغیر بلوغ زودرس است. این پدیده نیز بهتر است با در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن قضاوت شود و بعد جسمی و رفتاری آن به تفکیک بررسی شود. شاید بهتر باشد با دو عنوان متفاوت و جدا از یکدیگر، در پژوهش‌های دیگر بیشتر بررسی شود. دستاورد دیگر پژوهش، رابطه مثبت بین بلوغ زودرس جسمی و جامعه‌پذیری است که برخلاف انتظار است. با توجه به اینکه نمونه آماری، از بین دختران دانش‌آموز انتخاب شده است، به نظر می‌رسد عوامل محیطی وسیع‌تر، از جمله زمینه فرهنگی - که فراتر از خانواده و مدرسه است - بر رفتار و ذهنیت این گروه، نقشی کنترل‌کننده ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که با تعیین قلمرو انتظارات، نقش مهم‌تر دخترانی که از نظر جسمی و ظاهری بلوغ یافته‌اند، فشار بیشتری را بر این گروه برای هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارها وارد می‌کند. مطالعه حاضر، در زمینه فرهنگی خاصی انجام شده است که در آن، معمولاً حساسیت بالایی در مورد کنترل دختران نوجوان وجود دارد؛ به‌ویژه دختران نوجوانی که نشانه‌های بلوغ جسمی آنان، از زیر ذره‌بین نگاه اطرافیان دور نمی‌ماند. در چنین زمینه اجتماعی و فرهنگی، با توجه به اینکه نشانه‌های بلوغ جسمی مشهود است، دست‌یافتن به رابطه مثبت بلوغ جسمی و جامعه‌پذیری، به دلیل فشار هنجاری اجتماعی، دور از انتظار نبوده است.

با توجه به نتایج و همچنین با در نظر گرفتن نقش منفی رسانه‌های جدید، راه‌هایی از این قبیل پیشنهاد می‌شود: تشویق و ترغیب جوانان به استفاده از رسانه‌های داخلی، اعمال فشار به مدیران فرهنگی برای بهبود محتوای برنامه‌های رسانه‌های داخلی، آموزش چگونگی استفاده صحیح نوجوانان از رسانه‌های جدید (اینترنت و ماهواره) با توجه به تأثیر استفاده از اینترنت و ماهواره بر بلوغ زودرس، استفاده از کارشناسان و متخصصان در مدارس برای توجیه دخترانی که با بلوغ زودرس به‌ویژه بلوغ رفتاری و نه صرفاً جسمی مواجه‌اند، افزایش پژوهش‌های اجتماعی در مورد بلوغ زودرس و تبعات اجتماعی آن و انجام پژوهش‌های مشابه در میان دانش‌آموزان پسر.

منابع

- استونز، راب (۱۳۹۰)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- آرون، ریمون (۱۳۷۶)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقرپرهام، تهران، علمی فرهنگی.
- بخارائی، احمد (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران: پژوهاک جامعه.
- رایس، فیلیپ (۱۳۸۸)، روانشناسی از تولد تا مرگ، مهشید فروغان، تهران: ارجمند.
- روشه، گی (۱۳۶۷)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، عبدالحسین نیک گهر، تهران: تیبان.
- ریاحی، غلامحسین (۱۳۷۰)، بلوغ تولدی دیگر، تهران: نشر اشراقیه.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- سمنانی، ناهیه (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- علوی لنکرودی، سید کاظم (۱۳۸۲)، «بررسی پدیده بلوغ زودرس»، کاوش‌نامه، شماره ۵ و ۶: ۱۷۹-۱۹۳.
- علی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رودهن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۶)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۰)، روانشناسی اجتماعی، تهران: ارسباران.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴)، روانشناسی رشد (۲) (نوجوانی، جوانی، بزرگسالی)، تهران: انتشارات سمت.
- مصطفوی، فریدون (۱۳۷۸)، بلوغ زودرس، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- مویری، حشمت؛ مدرسی، زینب و نادری، فریبا (۱۳۹۳)، «تأثیر درمان با آنالوگ‌های طولانی اثر گنادوتروپین بر اندکس توده بدنی در دختران دچار بلوغ زودرس»، مجله دانشکده پزشکی تهران، شماره ۳: ۱۷۴-۱۸۰.
- نجفی، محمود (۱۳۸۹)، «فناوری و تربیت: فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر بلوغ زودرس آسیب‌ها، راه‌کارها»، نشریه پیوند، شماره ۳۶۶ و ۳۶۷: ۴۴-۴۷.

- نجمیاس، ف. نجمیاس، د. (۱۳۸۱)، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی، رضا فاضلی، تهران: نشر سروش.

- Adrienne, Gilbert Pettiford (2015), "Effects Of Puberty And Parenting On Adolescent Psychosocial, dissertation of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the Department of Psychology", **Developmental Psychology**, No17: 1-30
- Alsaker, F.C.D. (2000), **Timing of Puberty and Reactions to Pubertal Changes**, New York: Cambridge university press.
- Baumrind, Diana (2000), "computers as Socialization agent and entertainment", **children and the web**, No4:128-150.
- Dina, Fine Maron (2015), "Why Girls Are Starting Puberty Early", **The Science of Health**, No8:27-30.
- Garibaldi, L (2007), "Disorders of puberty, In Kliegman RM, Behrman RE, Genson HB, Stanton BF", **Nelson textbook of pediatric**, No16: 20-30.
- Grete Teilmann, Carsten B, Pedersen, Niels E, Skakkebak and Tina Kold Denmark, Jensen (2006), "Increased Risk of Precocious Puberty in Internationally Adopted Children in Denmark", **Official Journal Of The American Academy Of Pediatrics**, No2:390-399.
- Herman & Giddens, M. E, Slora, E. J, Wasserman, R. C, Bourdony, C. J, Bhopkar, M. V, Koch, G. G. et al (1997), "Secondary sex characteristics and menses in young girls: office practice a study from the pediatric research in office settings network", **Pediatrics**, No 99(4):505-512.
- Lorah D, Dorn, PhD, and Deborah Rotenstein, MD (2004), "Early Puberty in girls: the case of premature", **Women's Health**, No14:177 -183.
- Mogensen SS, Aksglaede L, Mouritsen A, Sorensen K, Main KM, Gideon P, et al (2011), "Diagnostic work-up of 449 consecutive girls who were referred to be evaluated for precocious puberty", **J Clin Endocrinol Metab**, No5: 393-401.
- Melissa, J Schoelwer¹, Kelly L Donahue, Kristina Bryk, Paula Didrick¹, Sheri A Berenbaum⁴ and Erica A Eugster (2015), "Psychological assessment of mothers and their daughters at the time of diagnosis of precocious", **International Journal of Pediatric Endocrinology**, No 10:1-5
- Papalia, Diane and E. Wendkos olds, Sally (2000), "Human development new York", **MC Grow Hil**, No3:80-94.
- Tetsuro, Kobayashi (2008), **The Effect Of Mobile Phone-e-mailing On Socialization**, Department of social Psychology In The University Of Tokyo.